

دوباره زندگی کردن

دارم دوباره دزیره را می خوانم. به همه آن هایی که این عمل مرا می بینند و چشم هایشان از تعجب گرد می شود که: «این را دختر هادر هجده سالگی می خوانند».

توضیح آبرومندانۀ ای می دهم مبنی بر اینکه می خواهم یک دور دیگر تاریخ او آخر قرن ۱۸ و ظهور و سقوط ناپلئون دستم بیاید، ولی واقعیت این است که آخرین چیزی که الان ممکن است برایم اهمیتی داشته باشد، تاریخ آخرهای قرن ۱۸ ناپلئون است.

قضیه، لذت بردن از زندگی است و می دانید یکی از بزرگ ترین لذت های زندگی چیست؟ اینکه آدم اصلا به انبوه کتاب هایی که خریده و نخوانده یا کتاب هایی که باید بخرد و بخواند محل نگذارد و به جای آن برگردد و رمان ها و داستان هایی را که در فاصله پانزده تابست یک سالگی خوانده، بدون هیچ دلیلی فقط چون ممکن است هنوز خواندن آن ها لذت بخش باشد، دوباره بخواند.

شب ها که دیگر قرار نیست پیگیری هیچ قرار یا مصاحبه یا مطلبی را بکنم یا حتی قرار هست، ولی دیگر آن قدر دیر شده که بهتر است نکنم، یک چای نبات که ممکن است ۲-۳ پها زان ریج یادار چین هم تنگش زده باشد، برای خودش می برد و زیر لحف و بخواند و بخواند. آن قدر که باز و هایش خواب برود و تیر بکشد از بس در یک وضع بوده و وزن بدن را تحمل کرده است، ولی آدم باز محل نگذارد، یعنی نتواند که بگذارد و هوی به خودش بگوید این یک صفحه را هم بخوانم بعد از این شانه به آن شانه می شوم. بعضی وقت ها فکر می کنم شاید احساس پیروی کرده ام و به خیال بازسازی آن فضا که سرشار از شور



حبیبه جعفریان نویسنده روزنامه نگار

وندانم کاری و سؤال بود، رفته ام سراغ این ها. شاید هم دلم برای قصه ای تنگ شده بود. قصه واقعی که چند صد صفحه طول بکشد و قهرمان داشته باشد و عشق داشته باشد و آدم هادران واقعاً از نقطه A به B برسند به جای اینکه از اول تا آخر در نقطه A بنشینند و در حالی که یکی هستند، عین خود ما، بهمان زل زده باشند و شاید همه این ها با هم است. دوسه سال پیش ماه رمضان بعد از خوردن سحری بیدار می ماندم و دوباره جین ایر را می خواندم. همان طور افتاده به پهلوی و همان طور بی وقفه، آن قدر که کتفم تیر می کشید و حاضر نبودم شانه به شانه شوم و از صدای گنجشک ها که ناگهان و دسته جمعی می خواندند، می فهمیدم هواد دیگر روشن شده است. عین ماه رمضان هفده سالگی ام که بلندی های باگبر را بعد از سحری خواندم و ویا که می دانست نامزم را خوانده ام کاری به کارم نداشتم.

وقتی این کتاب ها را دوباره می خوانم، حتی یادم است که آن دفعه اول مطلبی را بکنم یا حتی قرار هست، ولی دیگر آن قدر دیر شده که بهتر است نکنم، یک چای نبات که ممکن است ۲-۳ بار زان ریج یادار چین هم تنگش زده باشد، برای خودش می برد و زیر لحف و بخواند و بخواند. آن قدر که باز و هایش خواب برود و تیر بکشد از بس در یک وضع بوده و وزن بدن را تحمل کرده است، ولی آدم باز محل نگذارد، یعنی نتواند که بگذارد و هوی به خودش بگوید این یک صفحه را هم بخوانم بعد از این شانه به آن شانه می شوم. بعضی وقت ها فکر می کنم شاید احساس پیروی کرده ام و به خیال بازسازی آن فضا که سرشار از شور

زین قندپار

«زین قندپارسی» تجربه خوبی بود برای من در این چند سال آخر سده ۱۳۰۰ تا ۱۴۰۰ از روزی که به پیشنهاد یکی از دانشجویان، کانال تلگرامی آن پا گرفت تا امروز، مهم ترین چیزی که دستم را گرفت، این بود که با وجود همه آسیب هایی که متوجه زبان فارسی است و بی توجهی و سست گرفتن برخی، زبان فارسی در بین جوانان و حتی ایرانیان مقیم خارج از کشور طفر داران پرواقریسی دارد که آدم را دل گرم می کند. باورت می شود که هنوز بسیاری کسانی که قدر دان رنج سی ساله فردوسی هستند و نمی گذارند زبان فارسی ز زیاد و ز باران گزندی ببینند.

دغدغه درست نویسی و توجه به زبان فارسی در این صد ساله با همه اختلاف نظرهایی که گاه در دوسوی ماجرا قرار می گرفتند، راه خود را پیمود و نزدیک به ۵۰ کتاب درباره ویرایش و درست نویسی منتشر شده است؛ در کنار فراوان مقاله. در این میانه اهالی قانون هم بیکار نماندند و دست به کار شدند؛ هم فرهنگستان (دولت) چه پیش از انقلاب و چه پس از انقلاب گام هایی برداشت و به طور مشخص فرهنگستان فعلی جزوه «دستور خط فارسی» را تصویب کرد و هم مجلس قانون «منع به کارگیری اصطلاحات و لغات بیگانه» را از تصویب گذراند.

برای خواندن مجله عصر شهر آرا کدرا اسکن کنید



مجله عصر شهر آرا هجده شصت



حدیث روز

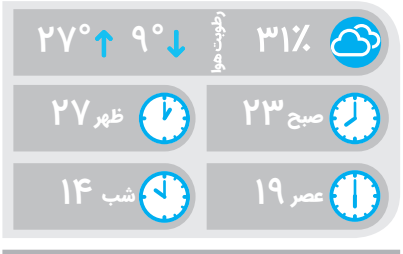
گذشت زمان پرده از رازهای نهفته برمی دارد.

رسول اکرم ص

اذان ظهر ۱۳:۴۵:۱۲

غروب آفتاب ۵:۵۰:۱۵

اذان مغرب ۱۳:۳۴:۱۹



نیمه شب شرعی ۲۳:۵۱:۳۰
اذان صبح فردا ۴:۴۴:۰۴
طلوع آفتاب فردا ۵:۵۶:۰۶

روزنامه شهرامیدوزندگی
SHAHRARANNEWS.IR
شنبه ۱۴۰۱
صفحه ۲۱ از صفحه ۴۰
صفحه ۲۱ از صفحه ۴۰
شماره ۱۳۳۵۰۰۰
آرامش

ميثاق نامه اخلاق حرفه اي

QR Code

لذت سواری مجانی تا قبرستان یا همان سیزده بدر فرنگی



کارتون اثر Kevin Kallaugher نشریه Economist

امیرمنصور رحیمیان ا

یک سال و خورد های از روزی که این بیماری منحوس، قدم تا مبارکش را روی این کرد گذاشته است، می گذرد. در این مدت هم نگذاشته است آب خوش از گلوئی هیچ بنی بشری پایین برود. هر روز خبرمردن آدم ها از معمولی و سیاسی و هنرمند و ورزشکار و دیگر آدم هایی که همه شان مهم بوده اند، شنیده ایم. خودمان هم شاید فکر گرفته ایم و خوب شده ایم و گفته اند که امکان ابتلای دوباره هم منتفی نشده است و وضعی که یا پانش با خالق است و یا بی اوضاع و احوال و اکیناسیون در کل دنیا، همچنان قرار است ادامه داشته باشد. هر روز هم مجبورم بیماری را به چیزی تشبیه کنم. روزی گنجشک ترسان و روزی هم مگس.

کرونا مثل مگسی سمج شده است که فعلا زورمان به آن نمی رسد و آدم را دچار استیصال کرده است. از روی دستمان کیشش می کنیم، می نشیند روی گونه مان، از آنجای ما اینمیش، می آید روی دماغمان می نشیند و از آنجا هم که می پرانیمش، می نشیند برفرق سرمان. هر بار هم نکت تر عوی تر از بار قبیل. با شکل های جدید و آپشن های اضافه از نوع معمولی اش گرفته تا انگلیسی و آفریقایی و برزیلی تا نوع هندی اش که تازه کشف شده است، همه شان یک منظور دارند؛ آن ها قاصدان مرگ و ناخوشی هستند.

اهالی فرهنگ و هنر هم مثل آدم های دیگر از این به واقع بیلا دور نبوده اند و مرگ را از طریق این ویروس در آغوش کشیده اند؛ برای همین در همه دنیا بعضی هنرمندان و اهالی قلم، کار زندگی خودشان را وقف این موضوع کرده اند که سطح آگاهی مردم را در مورد این بیماری بالا ببرند. یکی از این هنرمندان «کوین کاللاگر»، کارتونست مشهور و پر مخاطب هفته نامه «کونومست» است. او از طریق رسانه معروف و پربازدید که ادبیات خود را آفرید، ادبیاتی که «سرعت» در آن نقش مهمی بازی می کند و همین موضوع باعث شد زبان در جاهای زیادی مثله شود. برخی کلمه ها تغییر هویت دادند و ساخت جدیدی پیدا کردند. در واقع فضای مجازی نوعی خاص از خطر را به زبان فارسی تحمیل کرد که اگر افسار گسیخته پیش برود، آسیب خواهد زد. به ویژه اگر این سبک نوشتاری بخواهد پایش را از گلیم خود دراز تر کند و بیش از پیش خودش را به فضای مکتوب رسمی بکشانند. حال باید دید از ۱۴۰۰ به بعد چه اتفاقی خواهد افتاد که چالشی دوباره در برابر زبان فارسی قد علم کند.

۱۴۰۰ مهربانی

غلامرضا بنی اسدی

بسم ا... الرحمن الرحیم؛ این مبارک ترین آغازی است که می توان بر صفحه اول دفتر نوشت. برکت است و فراخی روزی معرفتی این کلمات. اصلا هر آغازی جز به این کلمات و اسامی مقدس، بی آغاز است و بی سرانجام نیزیم. پس بسم ا... برای آغاز، بسم ا... برای برکت، بسم ا... برای هر چه زیبایی است. بسم ا... الرحمن الرحیم برای آغازی مبارک در سال ۱۴۰۰. ان شاء... پر از شادی و فرحتاکی باشد لحظات این سال برای همه ایرانیان، اصلا برای جهانیان. وقتی رسول اعظم الهی به دعا تعلیم مان می فرماید که نگاه جهانی داشته باشیم و فراتر از قوم و قبیله و میهن خود برای همه مردمان، سلامت بخواهیم، چرا به خست، جغرافیای دعا را کوتاه و تنگ بگیریم؟ آموخته ایم! الهام اشف کل مریض را، پس برای همه مردمان در هر گوشه دنیا سلامت می خواهیم به ویژه که کرونا رفق را عالم و آدم ستانده است؛ به خصوص که بیماری بر سر هر کوی و کوچه، سفره پهن کرده است. سلامت می خواهیم برای همه و آزادی می طلبیم برای همه بی گناهیانی که پشت دیوار گرفتارند. ما هیچ اسیری را نمی توانیم دید و اسارت را تا بنمی توانیم آورد، پس آزادی را و آزادی را برای همه طلب می کنیم و حضرت رزاق را می خوانیم که به کرامت، همه را بر سفره بنشانند تا در هیچ گوشه جهان، گرسنه ای نماند و برهنه ای نیز هم. از خدایم خواهیم هیچ کس به گرفتاری بدهکاری نیفتد و هشتش به گروی نه نرود که «کیسه بیماری» گاهی بدتر از «تن بیماری» است.

به «بسم ا... الرحمن الرحیم» آغاز می کنیم و حضرت رحمان رحیم را می خوانیم تا زیبایی ها را چنان در حق انسان فرونی و برکت بخشد که ناز زیبایی ها هرگز فرصت بروز نیابند. ۱۴۰۰ زیباتر خواهد شد اگر همه ما گره از دل و دیده و دست برداریم و گشاده دل و فراخ دیده و سخاوَت دست به یاری هم شتاب کنیم. اگر ایثار را، دیگر دوستی را، خدا خواهی و خلق گرانی داشتن را سیره رفتار کنیم. ان شاء... به این سیره، سیرت نیکو کنیم تا صورتان به شادمانی تجسم زیبایی ها را اینیله ای جلایافته باشد. چنین باد به لطف خدا!!



- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
- مدیر مسئول و سردبیر: سید هادی فیاضی
- نشانی: میدان شهدا
- دبیر مرکزی: ۰۵۰۳۷۲۸۸۸۱
- نمابر: ۰۳۷۲۳۸۳۱۰
- روابط عمومی: ۰۳۷۲۳۸۳۱۰
- شماره پیامک: ۰۳۰۰۷۲۸۹
- چاپ: شهر چاپ خراسان

کیوسک



گلوبال تایمز

روزنامه چینی گلوبال تایمز در تیتربیک خود با عنوان «آسیا، نقش چین به عنوان ثبات آور را تایید می کند»، از تلاش های مقامات چینی برای حل و فصل مسائل منطقه آسیا می نویسد. در این مطلب آمده است که کشورهای غربی در تلاشند به بهانه ناآرامی ها در میانمار و مسئله هسته ای کره شمالی، در آسیا تفرقه بیندازند.



وال استریت ژورنال

روزنامه آمریکایی وال استریت ژورنال، با تیترب «کشورهای ضوا یک به دلیل افزایش تقاضا، صادرات نفت خود را افزایش خواهند داد»، به احتمال افزایش صادرات نفت جهانی، در پی افول اقتصادی ناشی از بحران کروناست. این روزنامه می نویسد که تولیدکنندگان عمده نفت، تولیدات خود را تا ۲ میلیون بشکه در روز افزایش خواهند داد.

فیکارو

این روزنامه فرانسوی در مطلبی با تیترب «فرانسوی ها برای مواجهه با قرنطینه آماده می شوند» به نظرسنجی موسسه «اودوکسا- بکون» اشاره می کند که براساس آن اکثر فرانسوی ها اقدامات محدودکننده کرونایی را تایید می کنند اما تعداد زیادی از آن ها قصد اعمال دقیق محدودیت ها را ندارند.

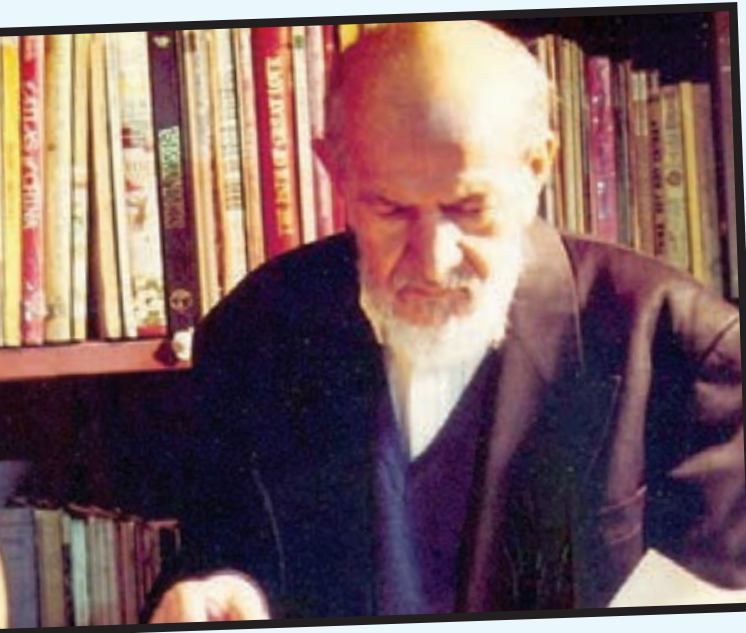


ایندپندنت

روزنامه بریتانیایی ایندپندنت، با انتشار عکس بنیامین هانام، از وی به عنوان اولین پلیس بریتانیایی که به اتهامات تروریستی محکوم شده، یاد کرده است. هانام بیست و دوساله را به جرم عضویت در یک گروه تروریستی و دادن اطلاعات نادرست به پلیس بریتانیا با هدف پیوستن به این سازمان، دادگاه کیفری مرکزی لندن محکوم کرد.

تاریخ نگار

درگذشت پدر علم نقشه کشی ایران



«عباس سحاب فرزند ابوالقاسم، سومدی ۱۳۰۰ خورشیدی در یکی از روستاهای اطراف تفرش در استان مرکزی به دنیا آمد. او فراگیری علم را از چهار سالگی آغاز کرد و در ده سالگی به همراه پدری به تهران شد. در تهران بود که برای نخستین بار، استعداد او در علاقه و به جغرافیا نمایان شد و در آن رشد کرد، به طوری که در پانزده سالگی اولین نقشه تهران را تهیه کرد. این نقشه و نقشه های بعد از تهران و شهرهای دیگر، شالوده و اساس یک مؤسسه جغرافیایی را در سال ۱۳۲۴ خورشیدی پایه ریزی کرد و عباس سحاب را به شهرت رساند. او در این مؤسسه، بعدها یکی از کتابخانه های غنی جغرافیایی ایران و خاور میانه را با ۱۸ هزار جلد کتاب، ۱۵ هزار جلد مجله جغرافیایی و صدها کره و اطلس بزرگ و کوچک به زبان های مختلف پدید آورد. استاد نخستین نمایانگاه نقشه خود را در سال ۱۳۳۹ خورشیدی در دانشسرای تهران برپا کرد و از آن تاریخ به بعد، در نمایانگاه های داخلی و خارجی بسیاری حضور یافت. همچنین مؤسسه وی در طول سال ها فعالیت، به چاپ کتب جغرافیایی و سفرنامه ها و نیز ترجمه و تکثیر نسخ منحصر به فرد آثار ادبی و جغرافیایی می پرداخت. عباس سحاب، پدر علم کارتوگرافی نقشه کشی ایران، بنیانگذار چاپ نقشه در بخش خصوصی کشور، نخستین تولیدکننده کره جغرافیایی به زبان فارسی، مولف ده ها اطلس جغرافیایی، آخرین بازمانده نسل نقشه کشان صاحب سبک جهان و بانی مؤسسه جغرافیایی و نقشه کشی سحاب، چهاردهم فروردین ۱۳۷۹ خورشیدی در هفتاد و نه سالگی درگذشت.